

پیش‌خوان

نظری بر خاطرات آیت‌الله سیدعبد‌الهادی حسینی شاهرودی

در «تداوم اندیشه»

■ **محمد رضا کائینی**



اثر مورد معرفی، خاطرات مطول و خواندنی آیت‌الله سید عبدالهادی شاهرودی، فرزند آیت‌الله العظمی سهرید محمد شاهرودی و نواده آیت‌الله‌العظمی سید محمود شاهرودی

است. این مجموعه به همت مرحوم حجت‌الاسلام شیخ بنیامین شیرخانی تدوین یافته و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گماشته‌است. ناشر در دیباچهٔ این اثر، در باب مختصات آن چنین آورده است: «پیروزی انقلاب اسلامی، م‌ه‌رون کادر سازی و تربیت نیروی انقلابی، توسط امام خمینی و سایر انتقال‌امام خمینی از ترکیه به عراق مجالی فراهم آورد که ایشان صورانه انگیزه‌ها و اهداف نهضت را در حوزه نجف بیان کنند و به تربیت نیروهای انقلابی بپردازند. آغاز درس ولایت‌فقیه امام در این دوران، نقطه عطفی بود که به گفته خود، ذوب در امام خمینی بود. او نیز با میان مراجع نجف، آن‌که بیشتر از همه شیفته و هوادار امام خمینی شد، آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر شد که به گفته خود، ذوب در امام خمینی بود. او نیز با نگاشتن کتاب‌های اقتصادنا و فلسفتنا، در بی تبیین ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اسلام برآمد. شاگردان وی که در عراق یساری کار آمدن حزب بعث با آن در ستیز بودند، با انتقال امام به این کشور، با نهضت اسلامی بیشتر آشنا شدند. در این میان خاندان آیت‌الله سید محمود شاهرودی، از همه بارزتر است. آیت‌الله شاهرودی از مراجع بزرگ شیعه در عراق بود که مقصدان زیادی نیز در ایران داشت. ایشان از امام دفاع می‌کرد و در مقابل اقدامات رژیم بعث و حکومت پهلوی مقاومت می‌نمود. راوی خاطرات و



▼ **آیت‌الله سیدعبد‌الهادی حسینی شاهرودی**

پیش‌رو، سید عبدالهادی شاهرودی نوه آیت‌الله شاهرودی بزرگ است که با اوچ‌گیری مبارزات علیه رژیم بعثی در عراق، به توصیه شهید صدر به لبنان رفت. او که حامل پیامی از سوی شهید صدر به امام موسی صدر بود، پس از انجام وظیفه به ایران آمد و به پیروزی انقلاب اسلامی مدد رساند. تلاش‌های او چه در قبل از انقلاب و چه پس از پیروزی در تبیین ابعاد مختلف نظام اسلامی و پایه نظری آن، محل دقت و توجه است. آیت‌الله شاهرودی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در دوران دفاع مقدس، به جریان پاسداری و حراست از نظام اسلامی پیوست و اقدامات عدیده‌ای در کمک‌رسانی به رزمندگان اسلام داشت. ایشان در مقام امامت جمعه شهرستان علی آباد کنول، متناً خدمات مفیدی شد که در پیشبرد اهداف نظام اسلامی تأثیر داشت. تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی علی‌آباد، یکی از این اقدامات است. ایشان از من تألیفات زیادی درباره پایه‌های تئوریک نظام اسلامی و مسائل و مشکلات مبتلا به روزانه مردم است که می‌توانند در تربیت نسل جوان و مؤمن و تحقق حیات طیبه مفید باشند…»

آیت‌الله سید عبدالهادی شاهرودی راوی خاطرات نیز در مقدمه‌ای بر این مجموعه می‌نویسد: «مرکز اسناد انقلاب اسلامی یکی از برکات انقلاب شوک‌همند مردم ایران به رهبری حضرت امام خمینی(قدس سره) است. این مرکز در دوره حیات آن رهبر کبیر شکل گرفته و پس از رحلت او بزرگوار، خلف صالح اندیشمند و فرهیخته آیت‌الله‌خامنه‌ای(دام‌الله‌عالی) با قوت و قدرت به راه خود ادامه داده و با دقت و ژرف‌نگری و واقع‌بینی و با کمال امانت، همواره سعی بر شناخت واقعی علما، مراجع، بزرگان دین و جریانات تاریخی داشته است. کتاب تداوم اندیشه بر اساس نوارهای صوتی درباره زندگی و فعالیت‌های اینجانب، توسط آقای حجت‌الاسلام شیخ بنیامین شیری خانی تدوین و تنظیم گردیده است. توفیقات کامله خدمتگزاران این مرکز و سایر خدمتگزاران به اسلام و دین و انقلاب و هدایتگران جامعه را از خداوند منان خواستارم…»

■ **نیما احمدپور**

روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر اقدام رضاخان در کشف حجاب زنان ایرانی است. به واقع اینک پس از دهه‌های متمادی و البته با نظر به سابقه پوشش زنان کشورمان در طول تاریخ، می‌توان گفت که طراحی و اجرای برنامه‌هایی از این دست، تجربه‌ای شکست خورده قلمداد می‌شود. بزرگ‌ترین و نزدیک‌ترین شاهد آن نیز آن است که پس از اخراج قزاق از ایران، زنان عقیف ایرانی اغلب به حجاب بازگشتند. یک ملت هویت و فرهنگ بر ساخته خویش در قرون متمادی را به راحتی از دست نمی‌دهد و آن را فدای امیال یا شلتاق‌های زودگذر نمی‌کند. در مقال بی‌آمده، روایت‌ها و تحلیل‌هایی چند در باب ماجرای کشف حجاب رضاخانی مورد بازخوانی قرار گرفته است. امید آنکه مفید آید.

■ ■ ■

■ **آیا رضاخان برای زنان ارزش قائل بود؟**

برخی در توجیه کشف حجاب رضاخانی، ادعا کرده‌اند که وی با این اقدام، به زنان ایرانی ارزش بخشید و راه را برای پیشرفت آنان هموار کرد. نخست جای این پرسش است که آیا اساساً رضاخان برای زنان ارزش و اعتباری قائل بود یا خیر؟ دکتر مظفر نامدار، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، به این پرسش اینگونه پاسخ گفته است: «فصل سوم کتاب خاطرات اشرف پهلوی، مربوط به ماجرای ازدواج او و خواهرش شمس است. او می‌گوید: به‌یک‌ساره در دربار زمره‌ه شدد که پدرم برای من و خواهرم شوهر پیدا کرده است-ما هنوز هفده ساله هم نشده بودم و شروع به داد و فریاد و گریه کردم. در من شوهر نمی‌خواهم و مگر زور است؟ دست به دامن مادر و برادرم شدم. او گفت پدرم تصمیمی بگیرد، تو حق مخالفت نداری، بنابراین چون و چرا نکن. مادرم هم همین را گفت. اشرف می‌گوید به اعتقاد رضاخان، دختر باید در سن مشخصی ازدواج کند. طبق خاطرات اشرف، پدرش برای او فریدون جم پسر محمود جم را انتخاب کرده بود و برای شمس نیز علی‌قوام را. اشرف می‌گوید اولین بار که فریدون جم را دیدم، در حال بازی تنیس با برادرم بود و از او خوشم آمد. بعد از مدتی خواهرم جم را دید و چون خواهرم از من بزرگ‌تر بود، پایش را در یک کفش کرد که من علی‌قوام را می‌خواهم و جسم را می‌خواهم. چون شمس از من بزرگ‌تر بود، از این امتیاز بهره‌مند شد و شوهرهای ما رسماً جابه‌جا شدند و او با جم ازدواج کرد و علی‌قوام

طیبه مفید باشند…»

حجت‌الاسلام والمسلمین علی آل اسحاق: «در زنجان پیر مرد تاجری بود که تقریباً ۱۲۰ سال سن داشت. همسر او، پیرزنی صدساله بود. به او می‌گویند برای عکس کشف حجاب شما هم باید بیایید، او می‌گوید: چگونه حجابم را بردارم؟ چند قدمی که پیرزن را می‌آورند، می‌بینند سنگین شده‌است، بعد متوجه می‌شوند که او از ناراحتی مرده است. مأموران می‌گویند که او هم باید در عکس باشد. بالاخره جسد پیرزن را می‌آورند و پسرهایش او را کنار کمر پدرشان نگاه می‌دارند و عکس می‌گیرند…»

نصیب من شد! افرادی که می‌گویند رضاخان آزادی را برای زنان به ارمغان آورد، خاطرات اشرف را بخوانند تا متوجه شوند که او حتی به فرزندان خودش در انتخاب همسر اختیار و آزادی نمی‌داد، چه برسد به زنان ایرانی! رضاخان یعنی تاج‌الملوک، اصلیتی روسی داشت. او در انتخاب همسر برای پسرش محمدرضا نیز هیچ‌یک از زنان خانواده‌های ایرانی را شایسته ندانست و ابتدا به سراغ فوزه یک‌زن غیر ایرانی و البته عرب رفت. من روی گاه‌نگه ناسیونالیستی ندارم و تنها از این جهت می‌عرب بودن فوزه یک‌کم که سلطنت‌طلبان ادعای ایران‌دوستی و تفاخر به آن سر ندهند. توجه کنید که قرار بود پسری که از فوزه متولد می‌شود، ولیعهد ایران و شاه آینده باشد، شاهی که مادرش یک فرد غیر ایرانی و عرب بود. جوانان ما امروز باید از سلطنت‌طلب‌ها و غرب پرستان سؤال کنند: آیا در میان زنان ایرانی دختر شایسته‌ای وجود نداشت که عروس رضاخان شود؟ بگذارید کمی شفاف‌تر صحبت کنیم. خاندان سلطنتی پهلوی حتی به زبان فارسی هم اعتقادی نداشتند. شما ببینید، اینها خاطرات خود را در زبانی غیر از فارسی نوشته‌اند. هیچ‌کدام از افراد خاندان دربار پهلوی را نمی‌توانید پیدا کنید که خاطرات خود را به زبان فارسی نوشته باشد. یا به فرانسوی نوشته‌اند یا به انگلیسی. محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ را هم به زبان فرانسه نوشت. در واقع او در این کتاب ملت ایران را شایسته پاسخ نمی‌دانست، بلکه به اربابان غربی‌اش جواب پس داد و ته به ایرانی‌ها. آنها اساساً شانی برای ملت ایران قائل نبودند و هیچ‌وقت به خودشان نگفتند که ما باید به ملت ایران پاسخ دهیم…»

■ **سال‌های مشقت بار زنان ایرانی**

رفتار رضاخان با ملت ایران به ویژه زنان، در وانهادن اعتقادات دینی و سنن مسلمی خویش، از نمادهای سبعت و بی‌هویتی در کارنامه زمامداری وی به شمار می‌رود. در آن دوره بخش زیادی از زنان ایران، از حضور در جامعه محروم شدند و دوره‌ای مشقت‌بار را تحمل کردند. دکتر موسی فقیه حنانی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در تحلیل این ماجرا آورده است: «تجربه نشان داده است کسانی که برای غربی کردن جوامعی نظیر ایران تلاش می‌کنند، برای رسیدن به اهدافشان از اعمال هیچ زور و جنایتی پرهیز ندارند و اگر هم شعار آزادی بدهند، در نهایت به محدودیت ختم می‌شود، برای اینکه نتوانند به اهداف خودشان برسند.



کشف حجاب رضاخانی، به مثابه یک تجربه شکست خورده

زنان را مجبور می‌کردند بدون حجاب در مجلس مصیبت شرکت کنند!

در نتیجه در زمان کشف حجاب از زنان ایرانی، نه تنها خبری از پیشرفت نبود، بلکه حتی باعث شد تعدادی از زنان جامعه ایرانی، به اجبار تن به این ماجرا بدهند. به طول شش سال تحمل کنند و نتوانند از خانه بیرون بیایند و مثلاً برای استحمام به حمام بروند، یا نتوانند برای فاتحه خواندن برای پدر و مادر و اقوامشان به قبرستان بروند و برای کوچک‌ترین مایه‌خندجشان نتوانند از خانه خارج شوند و اگر ریسک کنند و خارج شوند، با کتک، چماق و باتوم زندان‌ها و شهرنایی‌های مواجه شوند و همسرانشان به در‌دسرهای سختی بیفتند. چون اگر زن باحجابی را دستگیر می‌کردند، علاوه بر ضرب و شتم و برداشتن حجاب، همسرش هم احضار می‌شد و برخورد‌های سختی با همسر بانوی با حجاب می‌شد. واقعاً شش سال پر محنت و مشقت بار، بر زنان شریف ایرانی و زنان محترم ایرانی در آن دوره سپری شد که ذکر آن در بسیاری از منابع آمده است. بنابراین بخش عمده‌ای از زنان ایرانی، در آن زمان آزادی خودشان را از دست دادند و نمی‌توانستند بدون حجاب در حوزه اقتصاد ملی فعال شوند. به بخشی از در اقتصاد ایران هم نقش محوری دارد ولی در همان کشف حجاب اعمال می‌شد و بانوانی که نقش اجتماعی داشتند و در حوزه اقتصاد ملی فعال بودند، به بخشی از معیشت خانواده به واسطه کار آنها تأمین می‌شد مجبور می‌کنند چادرشان را بردارند که همین موضوع اتفاقاً نه تنها آزادی را همه‌را نمی‌آورد، بلکه خیلی هم محدود کننده بود…»

■ **پاسبان وقتی چادر را کشید، مقداری از موی سر زن هم کنده شد**

بسا چهره‌های سیاسی و فرهنگی معاصر در خاطرات خویش، فضای حاکم بر جامعه و مردم در دوران تحمیل کشف حجاب را ترسیم کرده‌اند. در زمره آنان است خطیب نامور معاصر زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی که در این فقره خاطراتی تلخ بیان داشته است: «ما مجاری کشف حجاب و جنایتی که رضاخان و مزدورانش در حق زنان و مردم و نوامیس مسلمین انجام می‌دادند، خاطراتی بسیار تلخ دارم که واقعا نمی‌دانم چگونه بیان کنم. مناظری می‌دیدم که از بس سنگین و سخت بود، نمی‌توانستم بایستم و نظاره‌گر باشم. با عجله رد می‌شدم که نبینم. فراموش

است و گرنه اموالمان را می‌گیرند و مسا را بیچاره می‌کنند. بالاخره یک لباس بی استنین به پیرزن می‌پوشانند و کلاه پهلوی بر سرش می‌گذارند. (با لباس بی استنین، کشف حجاب و کشف عفت می‌کردند) چند قدمی که پیرزن را می‌آورند، می‌بینند سنگین شده، بعد متوجه می‌شوند که او از ناراحتی مرده است. مأموران می‌گویند که او هم باید در عکس باشد. بالاخره جسد پیرزن را می‌آوردند و پسرهایش او را کنار کمر پدرشان نگه می‌دارند و عکس می‌گیرند. من آن شب در آغوش نامادری‌ام بودم و جریانات را می‌دیدم، ولی نمی‌فهمیدم، بعدها از مادرم قضیه را پرسیدم…»

■ **سپردن مأموریت کشف حجاب، به رفتگران نجف‌آباد**



رضاخان در عکس مویابیکی از زنان.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی: «در دوره کشف حجاب، مناظری می‌دیدم که از بس سنگین و سخت بود، نمی‌توانستم بایستم و نظاره‌گر باشم. با عجله رد می‌شدم که نبینم. فراموش نمی‌کنم روزی پیرزنی که موهای سفیدش را حنا بسته بود، چادر به سر کرده بود و زیر چادرش هم روسری داشت که آن زمان به آن چارقد می‌گفتند. ناگهان یک پاسبان پلید سر رسید و چادر را از سر پیرزن کشید. اما وقتی چارقد را کشید، مقداری از موی سر زن هم کنده شد! پیرزن بیچاره، سر برهنه بر زمین نشست و نمی‌دانست چه باید کند. عمل آن زن محترم در آن سن و سال، خلیسی درد آور و تأسف‌بار بود…»

نمی‌کنم روزی پیرزنی که موهای سفیدش را حنا بسته بود، چادر به‌سر کرده‌بود و زیر چادرش هم روسری‌داشت که آن‌زمان به آن چارقد می‌گفتند. ناگهان یک‌پاسبان پلید سر رسید و چادر را از سر پیرزن کشید. اما وقتی چارقد را کشید، مقداری از موی سر زن هم کنده شد! پیرزن بیچاره، سر برهنه بر زمین نشست و نمی‌دانست چه باید کند. عمل آن زن محترم در آن سن و سال، خیلی دردآور و تأسف‌بار بود. در همان روزها از طرف دولت به مردم دستور داده‌بودند اهالی هر محل مجلسی بگیرند و زن‌ها و دختر‌هایشان را بدون حجاب به آنجا بیاورند تا بی‌حجابی عادی شود. خدا می‌داند که اوایل کار، در محلات شهر چه‌خیز بود. وقتی می‌گفتند امشب مجلس در این کوچه برگزار می‌شود، مردم مسلمان و متدین و زن‌های شریف و با عفت، نمی‌دانستند چه کنند. آنها لباس گندایی می‌پوشیدند و سر را با یک‌پارچه بزرگ می‌بستند. سن‌ها بارها دیدم که عده‌ای با این هیبت به‌طرف مجلس جشن می‌رفتند، اما زار زار بر بدبختی خود اشک می‌ریختند! با این وضع، مجلس بلا و مجلس مصیبت به نام مجلس جشن بر پا می‌شد و رژیم گمان می‌کرد که مردم مسلمان، تنگ بی‌حجابی‌را پذیرفته‌اند. آن روزگار گذشت، اما تاریخ تلخی بود. آن قدر تلخ که هرگز از یاد نمی‌رود. هر وقت بعضی از آن مناظر را به یاد می‌آورم، بی‌اختیار حالت تأثر و گریه به من دست می‌دهد…»

■ **مؤسس حوزه علمیه قم: تا آنجا که می‌توانید مقاومت کنید**

موضع مرجع نامور وقت زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری در برابر کشف حجاب رضاخانی، از مداخل‌های مهم در تحقیق پیرامون این موضوع به شمار می‌رود. حسین شاه حسینی فرزند شیخ زین‌العابدین شاه حسینی از بازار یان وقت، از جمله کسانی است که در این باب، نکاتی را از مؤسس حوزه علمیه قم نقل می‌کند:

«در کشف حجاب رضاخانی، پدر من جزو رؤسای اصناف بود. پدر ما جزو مخالفان آسایش کشف

حجاب آ بود، خیلی شدید مخالفت می‌کرد و از تهران یک‌بار بلند شد و رفت خدمت آیت‌الله آقای

حاج‌شیخ‌عبدالکریم حائری که مرحوم آقای زنجانی و عده‌ای هم پیشکارانشان بودند. ایشان گفته بود: آنجا که ما چه کنیم؟ آقای حائری حکم داده بود: هیچ تبعیت نمی‌شود کرد، به‌هیچ وجه من الوجوه نپذیرد و تا آنجا که می‌توانید مقاومت کنید. پدرم آن موقع رفت درس مرحوم حاج‌شیخ‌عبدالکریم احائری بزدی ا… ولی در عین‌حال بعضی از روزها چند نفری بودند که مرحوم حاج‌شیخ‌عبدالکریم اینها را تهران می‌فرستاد. حالا چه می‌کردند، دیگر ما‌ها نمی‌دانیم. پدرم تعریف می‌کرد روزی عده‌ای نزد حاج‌شیخ‌عبدالکریم رفتند و به ایشان گفتند آقایین ارضاخان آ دارد تغییر لباس مردها را می‌دهد. مثل اینکه مرحوم حاج‌شیخ‌عبدالکریم ریش زردی داشته، دست می‌اندازد و ریش‌هایش را می‌کند و می‌گوید این مقدمه است برای اینکه بپوشاوش چادر را از سر زن‌های‌ما بردارند، من نمی‌گویم که لباسان را عوض نکنید، ولی در عین‌حال مواظب باشید که مقدمه چادر برداشتن از سر خانم‌هاست، حواستان جمع باشد، این مردک ارضاخان آ اگر بر خر مراد سوار بشود، احتمال دارد که بعد عمامه را هم از سر ما‌ها بردارد، خیلی دقت کنید…»

■ **تشییع پیکر شیخ مؤسس، بستر ساز حضور زنان با حجاب در خیابان‌های شهر قم**

با تمام آنچه بدان اشارت رفت، وقایعی چند موجب شد که زنان در دوران حکومت رضاخان، به حضوری گسترده در خیابان‌ها دست بزنند. یکی از این رویدادها، تشییع پیکر آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری در قم است که آیت‌الله سیدسخن بدلاء در خاطرات خود از آن سخن می‌گوید:

«زنان تا پیش از فوت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم، برای فرار از برخورد مأموران نظمیه در محصور حجاب، به خانه‌ها پنا برده بودند و این خصیص کمتر از مصیبت بی‌حجابی نبود. در آن زمان با آن که حمام سسر خانه مرسوم نبود، بسیاری از خانواده‌ها برای اینکه نیاز زان نشان را به حمام در خود خانه برطرف کنند، تدابیر خاصی اندیشیده بودند؛ از جمله برنام غسل و تن شویی را در ایام تابستان در حوض خانه انجام می‌دادند و برای زمستان‌ها هم که هوا سرد بود، پستی خانه را برای این منظور پند و می‌کردند و آنگاه با یک آفتابه و در حالی که درون مجمعه‌ای می‌رفتند، غسل می‌کردند. بعد از تحال حاج شیخ عبدالکریم، زنان به پناهه شرکت در مراسم تشییع آن مرحوم، به خیابان‌ها ریختند و برای اولین‌بار در خیابان‌ها و مجام عمومی، زنان با حجاب کامل و چادر و در قالب یک اجتماع بزرگ، دیده شدند و از آن به بعد هم سد شکسته شد…»

مأموریت کشیدن چادر زنان به رفتگران هر محله سپرده شده بود:

«از طرف حکومت دستور داده شد که در میان محله‌ها، افرادی که از نظر ثروت و شهرت شاخص بودند یا ستمی داشتند، گزینش شده و به بخشداری دعوت ش‌وند و ملزم باشند به اینکه همسرانشان را بدون چادر و روسری از منزل بیرون برند. در بخشداری جشنی ترتیب داده از پایان جشن، این افراد با همان هیبت ظاهری که در جشن شرکت کرده بودند، به منزل باز می‌گشتند. هدف از این کار، کاستن عظمت و حرمت حجاب در نظر مردم و شکستن قبح بی‌حجابی بود. به این ترتیب، پذیرفتی بی‌حجابی برای عامه مردم – که از لحاظ مشاغل اجتماعی و از جنبه مالی و شخصیتی در رتبه پایین‌تری قرار داشتند– آسان می‌شد. البته ابتدا خانواده‌هایی که به بخشداری دعوت شده بودند، در این اندیشه فرو رفتند که این مسئله برایشان لکه تنگی محسوب می‌شود، بنابراین بعضی از آنها به جای همسر خود، زنانی از روستا را از خود می‌بردند و در ازای آن پولی نیز پرداخت می‌کردند و در شرایطی که اتومبیل بسیار کم بود، اتومبیلی تهیه می‌کردند که آنها را از در منزل تا بخشداری ببرند و زن روستایی‌اشناس همراه با آنها به بخشداری می‌رفت و با اتومبیل باز می‌گشت. این مرحله اول کشف حجاب بود. پس از آن اعلام کردند که هیچ زنی حق ندارد با چادر در کوچه و بازار و خیابان ظاهر شود. بعد از صدور این دستور، بیرون رفتن زنان با چادر به صورت مخفیانه صورت می‌گرفت و زنانی که برای انجام کارهای ضروری مانند حمام رفتن از خانه بیرون می‌رفتند (آن زمان در خانه‌ها حمام وجود نداشت و حمام‌های عمومی رایج بود) مورد تعرض مأموران دولتی قرار می‌گرفتند. در نجف آباد مأموریت با این کار به رفتگرها سپرده شده بود، زیرا هنوز نظمیه و شهرنایی در نجف آباد وجود نداشت. رفتگرها در معابر عمومی مخفی می‌شدند و به محض مشاهده زنان محجبه، به یکباره حمله می‌کردند و چادر را از سر آنان می‌کشیدند! این خانم‌ها با سر برهنه یا با روسری، خود را به خانه یا یک جای دیگر می‌رسانند تا از دست مأموران نجات یابند…»

■ **مؤسس حوزه علمیه قم: تا آنجا که می‌توانید مقاومت کنید**

موضع مرجع نامور وقت زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری در برابر کشف حجاب رضاخانی، از مداخل‌های مهم در تحقیق پیرامون این موضوع به شمار می‌رود. حسین شاه حسینی فرزند شیخ زین‌العابدین شاه حسینی از بازار یان وقت، از جمله کسانی است که در این باب، نکاتی را از مؤسس حوزه علمیه قم نقل می‌کند:

«در کشف حجاب رضاخانی، پدر من جزو رؤسای اصناف بود. پدر ما جزو مخالفان آسایش کشف

حجاب آ بود، خیلی شدید مخالفت می‌کرد و از تهران یک‌بار بلند شد و رفت خدمت آیت‌الله آقای

حاج‌شیخ‌عبدالکریم حائری که مرحوم آقای زنجانی و عده‌ای هم پیشکارانشان بودند. ایشان گفته بود: آنجا که ما چه کنیم؟ آقای حائری حکم داده بود: هیچ تبعیت نمی‌شود کرد، به‌هیچ وجه من الوجوه نپذیرد و تا آنجا که می‌توانید مقاومت کنید. پدرم آن موقع رفت درس مرحوم حاج‌شیخ‌عبدالکریم احائری بزدی ا… ولی در عین‌حال بعضی از روزها چند نفری بودند که مرحوم حاج‌شیخ‌عبدالکریم اینها را تهران می‌فرستاد. حالا چه می‌کردند، دیگر ما‌ها نمی‌دانیم. پدرم تعریف می‌کرد روزی عده‌ای نزد حاج‌شیخ‌عبدالکریم رفتند و به ایشان گفتند آقایین ارضاخان آ دارد تغییر لباس مردها را می‌دهد. مثل اینکه مرحوم حاج‌شیخ‌عبدالکریم ریش زردی داشته، دست می‌اندازد و ریش‌هایش را می‌کند و می‌گوید این مقدمه است برای اینکه بپوشاوش چادر را از سر زن‌های‌ما بردارند، من نمی‌گویم که لباسان را عوض نکنید، ولی در عین‌حال مواظب باشید که مقدمه چادر برداشتن از سر خانم‌هاست، حواستان جمع باشد، این مردک ارضاخان آ اگر بر خر مراد سوار بشود، احتمال دارد که بعد عمامه را هم از سر ما‌ها بردارد، خیلی دقت کنید…»

■ **تشییع پیکر شیخ مؤسس، بستر ساز حضور زنان با حجاب در خیابان‌های شهر قم**

با تمام آنچه بدان اشارت رفت، وقایعی چند موجب شد که زنان در دوران حکومت رضاخان، به حضوری گسترده در خیابان‌ها دست بزنند. یکی از این رویدادها، تشییع پیکر آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری در قم است که آیت‌الله سیدسخن بدلاء در خاطرات خود از آن سخن می‌گوید:

«زنان تا پیش از فوت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم، برای فرار از برخورد مأموران نظمیه در محصور حجاب، به خانه‌ها پنا برده بودند و این خصیص کمتر از مصیبت بی‌حجابی نبود. در آن زمان با آن که حمام سسر خانه مرسوم نبود، بسیاری از خانواده‌ها برای اینکه نیاز زان نشان را به حمام در خود خانه برطرف کنند، تدابیر خاصی اندیشیده بودند؛ از جمله برنام غسل و تن شویی را در ایام تابستان در حوض خانه انجام می‌دادند و برای زمستان‌ها هم که هوا سرد بود، پستی خانه را برای این منظور پند و می‌کردند و آنگاه با یک آفتابه و در حالی که درون مجمعه‌ای می‌رفتند، غسل می‌کردند. بعد از تحال حاج شیخ عبدالکریم، زنان به پناهه شرکت در مراسم تشییع آن مرحوم، به خیابان‌ها ریختند و برای اولین‌بار در خیابان‌ها و مجام عمومی، زنان با حجاب کامل و چادر و در قالب یک اجتماع بزرگ، دیده شدند و از آن به بعد هم سد شکسته شد…»